

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

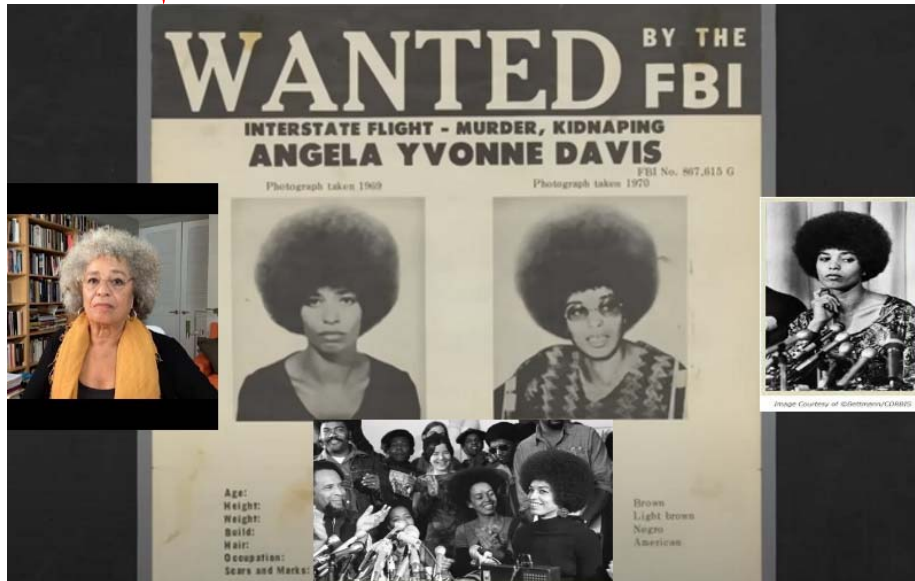
[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

ویراستاری و ارسال: علی مشرف  
۱۳ اکتوبر ۲۰۲۴

**مصاحبه آنجلا دیویس با اومانیته:  
برای دستیابی به پیروزی در برابر نژادپرستی و مردسالاری،  
باید سرمایه داری را به نبرد فرا خوانیم!**



من هنوز یک کمونیست هستم. یک کمونیست با حرف C کوچک به جای حرف C بزرگ. اگرچه من دیگر عضو حزب کمونیست نیستم، اما همچنان خودم را کمونیست می دانم و همچنان با حزب و با کسانی که در مقابل سرمایه داری مقاومت می کنند کار می کنم. برای رسیدن به پیروزی در برابر نژادپرستی و مردسالاری، باید سرمایه داری را به نبرد فرا خوانیم. ما نمی توانیم این سه مبارزه را از هم جدا کنیم. آنها جدایی ناپذیر هستند

\*\*\*\*\*

اومانیته: آنجلا دیویس در ۸۱ سالگی، ذره ای از رادیکالیسم انقلابی خود را از دست نداده و همچنان به طور خستگی ناپذیری آن را ترویج می کند: تا زمانی که امید در قلب خلق ها می جوشد و تبدیل به نبردی مداوم می شود، آنها نیروی

محرکه تاریخ باقی خواهند ماند. این نماد مبارزه ضد سرمایه داری و مدافع حقوق بشر در جریان حضورش در جشن اومانیته با ما مصاحبه ای اختصاصی انجام داد.

او صبح زود یک روز آفتابی رسید. زمانی که جشن اومانیته هنوز در مه صبحگاهی غوطه ور بود. آنجلا دیویس در حالی به «دهکده جهان» رسید که دستان کوچک افرادی داوطلب، مشغول چیدن صندلی ها و یا رسیدگی به آخرین تدارکات بودند. گروهی نیز به دور او حلقه زده بودند. پژواک بلندگوها از سن صحنه بزرگی که نام او را بر خود داشت، بر هیاهوها می افزود. آنجلا دیویس مؤدبانه می پرسد که آیا می توان میز او را جابه جا کرد تا تمرکز پیدا کند. در یک محیط آشنا او درباره دلیل سومین بازدید خود از جشن صحبت می کند.

در سن ۸۰ سالگی، این فیلسوف و فعال حقوق مدنی، کمونیست و فمینیست، مقدمه ای بر «Mumia, la plume et le fist» (نشر Temps des Cerises) نوشته است. این کتاب تمام آثاری را گرد آورده که برای آزادی قدیمی ترین زندانیانی «سیاسی» جهان، مومیا ابوجمال نوشته شده است.

**آخرین بازدید شما از جشن اومانیته در سال ۱۹۹۱ بود. از پایان جنگ سرد، جهان تحولات و جنگ های بسیاری را تجربه کرده است. آیا آرمان شما همچنان زنده است؟**

**آنجلا دیویس:** داشتن امید همچنان یک الزام است. بدون امید امکان پیروزی وجود ندارد. من جمله ای از ماریا کابا، فعال امریکائی را نقل می کنم که می گفت امید یک انضباط است. انضباطی است که باید آن را پرورش داد، زیرا بدون امید امکان حرکت رو به جلو وجود ندارد. در بسیاری از زمینه ها، ما شاهد عقبگرد های زیادی در ایالات متحده و همچنین در اروپا هستیم. من هرگز تصور نمی کردم که روزی تا این حد نژادپرستی در اینجا امری عادی شده باشد. به یاد دارم که وقتی جوان بودم، فرانسه واقعاً نمونه آزادی، برابری و برادری بود.

من تا ابد قردان فرانسویانی خواهم بود که نه تنها برای آزادی من، بلکه برای آزادی جورج جکسون و برادران سولداد، مبارزه کردند. از جمله با برپاداشتن همایش بزرگی در سالون موتوالیته با شرکت بسیاری از روشنفکران و اتحادیه های کارگری در دفاع از جنبش مبارزه با نژادپرستی در ایالات متحده. این موضوعی بود که با انترناسیونالیسم و مبارزه با استعمار و برده داری پیوند خورده بود. با این حال، آگاهی ما از این مشکلات بازم بیشتر افزایش یافته است. این به نوعی گواه پیشرفت جنبش ضد نژادپرستی است. وقتی من به شرکت نسل های جوان در این مبارزات نگاه می کنم به آینده بسیار خوشبین هستم.

**شما عضو حزب کمونیست امریکا بودید. امروز خود را از نظر سیاسی چگونه توصیف می کنید؟**

**آنجلا دیویس:** من هنوز یک کمونیست هستم. یک کمونیست با حرف C کوچک به جای حرف C بزرگ. اگرچه من دیگر عضو حزب کمونیست نیستم، اما همچنان خودم را کمونیست می دانم و همچنان با حزب و با کسانی که در مقابل سرمایه داری مقاومت می کنند کار می کنم. برای رسیدن به پیروزی در برابر نژادپرستی و مردسالاری، باید سرمایه داری را به نبرد فرا خوانیم. ما نمی توانیم این سه مبارزه را از هم جدا کنیم. آنها جدائی ناپذیر هستند.

**شما ده ها سال است که برای آزادی مومیا ابوجمال مبارزه می کنید. پرونده او، وجود یک سیستم نژادپرستانه کامل را آشکار می کند. چگونه می توان توضیح داد که امریکای ۲۰۲۴ هنوز پیوند با دوران گذشته برده داری خود را قطع نکرده است؟**

**آنجلا دیویس:** بیوندی که با گذشته برده داری وجود دارد، اساسی است. ایالات متحده از استعمار و برده داری متولد شده است. نظام برده داری بدون استعمار و اشغال سرزمین های بومیان امریکا نمی توانست ایجاد شود. علی رغم پیشرفت هایی در اینحا و آنجا، تیم های ورزشی هنوز به نام بومیان نامگذاری می شوند. این نشانه ای از نژادپرستی عمیق به این مردمان در کشوری است که در خط مقدم توسعه سرمایه داری نژادی بوده اند.

با این حال، در طول تابستان ۲۰۲۰، در بحبوحه همه گیری کووید، تعداد بی سابقه ای از مردم علیه لینچ و قتل جورج فلوید با به خطر انداختن جان خود تظاهرات کردند. این نقطه عطفی در تاریخ امریکا بود. تعداد فزاینده ای از مردم فهمیدند که ما دیگر نمی توانیم این رابطه را که مورد تشویق دولت است با تاریخ خود داشته باشیم و تاریخ مدرن ما توسط برده داری شکل گرفته است که هنوز ما را آزار می دهد. جهل به تاریخ مسبب نژادپرستی مداوم و همه اشکال ظلم و ستم است.

**شما اغلب می گویند که اگر زندان را تجربه نمی کردید، آنچه هستید نمی شدید؟ زندان چه چیزی را در شما تغییر داد؟**

**آنجلا دیویس:** در مدت کوتاه حبس چیزهای زیادی یاد گرفتم. علی رغم این واقعیت که جمعیت زندان ها را تا حدی زنان تشکیل می دهند، ما در آن زمان هرگز با آنها صحبت نمی کردیم. جنسیت اما در ساختار دادن به نظام زندان نقش دارد. با تماس با زندانیان، متوجه شدم که این امر در درک کلی ما از سیستم نقش دارد. سال ها دیدگاه هایی را که این زنان به من انتقال داده بودند، در درون خود حمل کردم. مدت زمانی طولانی لازم بود و باید فکر می کردم و می خواندم تا بتوانم براحتی در مورد سیستم زندان تدریس کنم.

در ابتداء رابطه زندان و برده داری و مقایسه شورش های زندانیان و شورش های بردگان را درک نمی کردم. جورج جکسون (فعال حزب پلنگ سیاه که در سال ۱۹۷۱ در زندان به ضرب گلوله کشته شد - یادداشت سردبیر) اولین کسی بود که باعث شد زندان را دراماتیک ترین مظهر نژادپرستی ساختاری بدانم. مسأله صرفاً رهایی از یک سیستم سرکوب نبود، بلکه درک چگونگی عملکرد نژادپرستی در جامعه ما بود. این همان چیزی است که باعث شد برخی از ما درگیر جنبش الغا نژادپرستی شویم.

**الغا گرانی به مثابه مبارزه برای رفع همه سلطه ها، پیکاری واقعی و آرمان شهری در نظام سرمایه داری است.**

**آنجلا دیویس:** تشویق مردم به دفاع از سیستم های جایگزین سرمایه داری آسان نیست. زیرا سرمایه داری به عنوان شکلی جهانشمول از زندگی در یک جامعه تصور می شود. حتی اگرچه هرگز به صراحت گفته نمی شود، اما این واقعیت که استثمار همیشه بر شانه ما سنگینی می کند امری روشن است. سیستم زندان با سرمایه داری ظهور کرد. زندان در بُعد ایدئولوژیک آن، همیشه به عنوان تنها راه حل برای کسانی ارائه می شود که تن به چارچوب های جامعه نمی دهند. خیلی ها فکر می کنند که همیشه اینطور بوده و همیشه همینطور خواهد بود. امروزه زندان به عنوان نوعی مجازات محترمانه در نظر گرفته می شود.

**غزه اغلب به عنوان یک زندان در فضای باز شناخته می شود. ۴۰ درصد از فلسطینی ها نیز از سال ۱۹۶۷ در زندان های اسرائیل به سر می برند.**

**آنجلا دیویس:** وقتی دانشجو بودم، متوجه شدم که در ایالات متحده رهبری این همبستگی با فلسطینی ها عمدتاً به دست یهودیان جوانی بود که احساس مسؤولیت می کردند که در این مورد موضع گیری کنند. آنها این کار را به عنوان انسان

هائی انجام می دادند که در طول جنگ جهانی دوم هدف نسل کشی قرار گرفتند و دوست داشتند متحدان و نیروئی در کنار فلسطینی ها باشند. همه کسانی که در پروژه الغا نقش دارند از مبارزات فلسطین درس گرفته اند. به لطف مبارزه آنها، کسانی که بر روی جایگزین هائی برای نظام حبس کار می کنند، می دانند که پذیرش حبس خانگی یا دستبندهای الکترونیک، مانند اینست که در فلسطین تن به رضایت از ایست های بازرسی داده شود و همه جنبه های یک جامعه زندانی که تحت فشار نژادپرستی و سرکوب قرار دارد، پذیرفته شود. ما از آنها خیلی چیزها یاد گرفتیم.

فلسطینی ها جزو اولین کسانی بودند که از مبارزات سیاه پوستان در ایالات متحده حمایت و در اعتراضات فرگوسن در سال ۲۰۱۴ (پس از ترور مایکل براون توسط یک افسر پولیس - یادداشت سردبیر) شرکت کردند. آنها به نوعی آغازگر جنبش همبستگی بودند که در مقیاس بین المللی حول جنبش ملی «زندگی سیاه پوستان مهم است» به وجود آمد. به همه این دلایل، از مالکوم ایکس تا جورج جکسون، تقریباً غیرممکن است که در مورد مبارزه سیاه پوستان بدون اشاره به مبارزات فلسطینی ها حرف زده شود. هنگامی که جورج جکسون درگذشت، نسخه های دستنویس گلچین شعر انقلابی فلسطین، «دشمن خورشید» در سلولش پیدا شد. به همین دلیل است که این اشعار زمانی به اشتباه به او نسبت داده شده است. این نزدیکی بین این دو مبارزه را نشان می دهد.

**در سال ۱۹۸۱ کتاب «زنان، نژاد و طبقه» را نوشتید. از این نظر، شما اولین کسی هستید که تضادها و همگرانی های جنبش های بزرگ آزادی بخش و رهانی بخش را در زمان جنگ سرد تشریح کردید، زمانی که به نظر می رسید حیات آرمان ها اساساً حول وجود دو بلوک سازماندهی شده است. چه چیزی باعث شد که به این شکل فکر کنید؟**

**آنجلا دیویس:** هر کاری که انجام داده ام همیشه مطابق با نوشته ها و کمک های زنان سیاهپوست از قرن نوزدهم بوده است. برای من غیرممکن است که اعتبار فردی خویش را در این کار برجسته کنم. در زمان نوشتن «زنان، نژاد و طبقه»، زنان سیاه پوست با حملات خشونت آمیز در ایالات متحده مواجه بودند. یک گزارش دولتی نشان داد که آنها مسئول ظلم مردان سیاهپوست به دلیل نظام مدارسالاری هستند! در دهه ۱۹۷۰، بسیاری از مردم متوجه شدند که بدون کمک زنان در طول قرن ها، مبارزه به جایی که در آن زمان بود نمی رسید.

وقتی این کتاب را نوشتم، برایم مهم بود که سهم آنها را در معرض دید قرار دهم. در آن زمان نمی دانستم که تحقیقاتم را فقط از روی آرشیوهای کلاسیک انجام می دهم. که لزوماً مرا محدود به کار زنان باسواد و تحصیل کرده ای می کند، که کتاب می نوشتند، در کنفرانس ها سخنرانی می کردند... بعداً متوجه شدم که زنان سیاه پوست طبقه کارگر از این حوزه کنار گذاشته شده اند. این باعث شد که روی کتاب دیگرم «فمینیسم آبی و سیاه» کار کنم. این چنین بود که متوجه شدم زنان فقیر قبل از ظهور جنبش فمینیستی سهم خود را در فمینیسم داشته اند.

**در کتاب درباره مومیا، شما بر نقش هنرمندان در مبارزه برای آزادی او و همچنین نقش هنر به عنوان امکانی برای نگاه کردن به دنیایی دیگر تأکید می کنید. هنرها در زندگی شخصی شما و مبارزه برای رهانی چه نقشی داشته اند؟**

**آنجلا دیویس:** همه چیز به این بستگی دارد که ما مسأله را از دریچه هنرهای اصیل یا هنرهای مردمی بررسی کنیم. من به هنرهای علاقه مند هستم که به شکل گیری آگاهی مردم کمک می کند. از این منظر، هنر بُعد اساسی مبارزه را به خود می گیرد. به همین دلیل است که موسیقی به ویژه در جوامع سیاه پوست بسیار مهم و شکل اولیه هنر است. من در دوران تحصیل در فلسفه به نقشی که هنر در تلاش ما برای آزادی ایفا کرد علاقه مند شدم. از طریق زیبایی شناسی بود که راه خود را پیدا کردم و به تحقیق در مورد موسیقی بلوز پرداختم. پروفیسور هربرت مارکوزه (که بر پایان نامه

آنجا دیویس نظارت داشت – یادداشت سردبیر) نظارت داشت ملاقات مهمی در این زمینه بود. او از منظرهای مختلف به معنای هنر می نگریست. به گفته او، در حالی که هنر ممکن است نتواند جهان را تغییر دهد، می تواند افرادی را که برای تغییرات بنیادی مبارزه می کنند، تغییر دهد.

### اگر باید آزادی را با یک اثر هنری مقایسه می کرد. به نظر شما کدام اثر هنری خواهد بود؟

**آنجا دیویس:** او... این سؤال سختی است. بدون شک پیکاسو نمونه کاملی است. اما من همچنین به نینا سیمون و آهنگ او «I Wish I Knew Would Feel to Be Free» فکر می کنم. این قطعه به ما این امکان را می دهد که میل جمعی خود را برای آزادی به اشتراک بگذاریم. فقط هنرها به ما این امکان را می دهند که نگاهی اجمالی داشته باشیم و امکان زندگی متفاوت را درک کنیم. همچنین باید این واقعیت را در نظر بگیریم که عموماً با دیگران به موسیقی گوش می دهیم. از این نظر، این یک سفر جمعی است که به ما امکان می دهد ابزارهای دستیابی به دنیایی بهتر را درک کنیم، حتی اگر ندانیم از کجا آمده ایم یا به کجا می رویم. مردم همیشه از آزادی به عنوان یک مقصد صحبت می کنند. من آن را اینطور نمی بینم. هرگز زمانی که انسان ها بتوانند بگویند «اکنون به آزادی رسیده ایم» فرا نخواهد رسید. همیشه مبارزات دیگری وجود خواهد داشت. هنر به ما کمک می کند تا ماهیت نامحدود این سفر را درک کنیم.

**شما همیشه ترجیح داده اید که نماد مبارزه بودن را به نفع حرکت جمعی کنار بگذارید. با این حال، ادبیات، آهنگ،**

**فرهنگ پاپ چهره شما را تسخیر کرده است. چه رابطه با این موقعیت دارید که از آن فرار می کنید؟**

**آنجا دیویس:** من همه این آهنگ ها را دوست دارم ، همه این هنرهای تجسمی را... اما من معتقدم که این به من به عنوان یک شخص مربوط نمی شود. این آثار محصول مبارزات است. من این اشتباه را نمی کنم که فکر کنم سوژه من هستم. آنها در مورد افراد در حال مبارزه صحبت می کنند. خیلی طول کشید تا این را درک کنم. من همیشه خیلی شرمنده ام، زیرا هرگز نمی توانم در اوجی باشم که این نمایش ها من را در آن نشان می دهند. اگر هدف مبارزه توده ها باشد، می توانم به این شکل مطرح شدن رضایت دهم، بدون این که فراموش کنم که در جای خود نیستم.

**نویسنده روزنامه اومانیتته برگردان شروین احمدی**

منبع: لوموند دیپلماتیک/ اخبار روز